

IDW

۱۴۱

کاور

A

سونیک

جوچہ تیغی



فیلین، توماس، هرمز، م. قلی زاده

SEGA®



داستان
ایان فلین

طراحی
آدام برایس توماس

رنگ آمیزی
مت هرمنز

حروف نگاری
شاون لی

دستیار سردبیر
رایلی فارمر

سردبیر
دیوید ماریوت

مترجم و ادیتور
معین م. قلی زاده

گرافیک کاور
آبتین لاجوردیان

Special thanks to Mai Kiyotaki, Michael Cisneros, Sandra Jo, Sonic Team, and everyone at Sega for their invaluable assistance.



For international rights, contact licensing@idwpublishing.com

IDW
www.IDWPUBLISHING.com

Nachie Marsham, Publisher • Blake Kobashigawa, VP of Sales • Tara McCrillis, VP Publishing Operations • John Barber, Editor-in-Chief • Mark Doyle, Editorial Director, Originals • Joe Hughes, Director, Talent Relations • Anna Morrow, Sr. Marketing Director • Keith Davidsen, Senior Manager, PR • Topher Alford, Sr. Digital Marketing Manager • Shauna Monteforte, Sr. Director of Manufacturing Operations • Jamie Miller, Sr. Operations Manager • Nathan Widick, Sr. Art Director, Head of Design • Neil Uyetake, Sr. Art Director, Design & Production • Shawn Lee, Art Director, Design & Production • Jack Rivera, Art Director, Marketing
Ted Adams and Robbie Robbins, IDW Founders

SEGA

Facebook: [facebook.com/idwpublishing](https://www.facebook.com/idwpublishing) • Twitter: @idwpublishing
YouTube: [youtube.com/idwpublishing](https://www.youtube.com/idwpublishing) • Instagram: @idwpublishing



SONIC THE HEDGEHOG #41. JUNE 2021. ©SEGA. All rights reserved. SEGA is registered in the U.S. Patent and Trademark Office. SEGA and SONIC THE HEDGEHOG are either registered trademarks or trademarks of SEGA CORPORATION. © 2021 Idea and Design Works, LLC. All Rights Reserved. IDW Publishing, a division of Idea and Design Works, LLC. Editorial offices: 2765 Truxtun Road, San Diego, CA 92106. The IDW logo is registered in the U.S. Patent and Trademark Office. Any similarities to persons living or dead are purely coincidental. With the exception of artwork used for review purposes, none of the contents of this publication may be reprinted without the permission of Idea and Design Works, LLC. IDW Publishing does not read or accept unsolicited submissions of ideas, stories, or artwork.

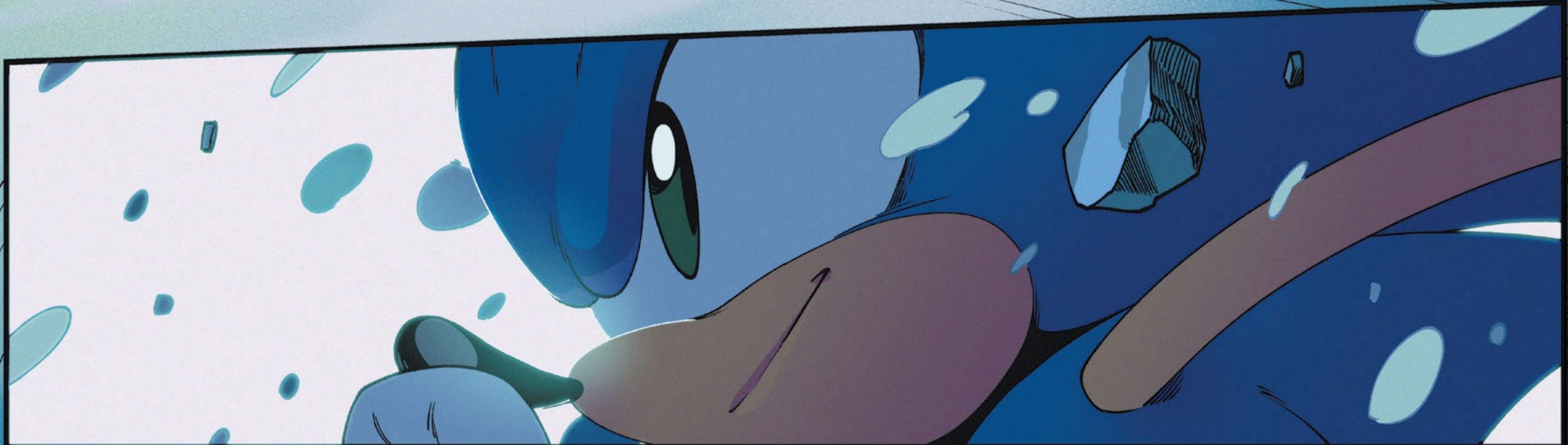
دهکده زمستانی.



می‌دونم
چند وقتیه می‌گذره، ولی
این راهی هست که
یخ‌هامون وا بشه؟

نه نه
متلک‌های یخی
فسته کنرها

BAZZRT



باشه. پس رد میشیم میریم
اونباش که من پلوتو از
گرفتن این شهر قشنگ
کوچولو می گیرم.

این روستای فسقلی سرما زده
برام مهم نیست! من دارم زتی
شکار می کنم-- ایچ!



زواک و شش مرگبارش آزار هستن!
من باید به حسابشون برسم قبل اینکه
بیشتر در دسر بسازن!*

و چون فیلی
بی عرضه هستی که از
پسشون بر بیای...

* مینی سری آدم برده جلد #۳-۴- مترجم.



من؟
تو بودی که دعوتشون
کردی به جشن طاعونت!
اونا تقصیر تو
هستن!

نه،
این ایره‌ی احمقانه
استارلین بود که
وضعیت رو "بهتر"
لنه! **

و اون
نوپه‌ی تو بود!
پس تقصیر
فودته!

BZZ
ZRT



** جلد #۲۵
-- مترجم.

اون دیگه
وابسته به من نیستش!

تو یه
لیست بلند از کارای
شورانه داری و سعی
داری که از این یکی
قصر در بری با
لغاضی؟

دارم فقط
آبرو می‌کنم!

بی‌بیال
"آگمن": از این
به بعد "دکتر مغز خندقی"
صدات می‌زنم.

پس زواک
زندست! پس چرا
هنوز نیومده که
ما رو جمع کنه؟

هرکدوممون به
تنهایی قدر تمندیم،
ولی ما به راهنمایش
نیاز داریم...

غیر قابل قبوله!

BZZZT

پس همون
"کپل مو دماغو فان"
صدای می‌زنم!

فنده دار
نیست! هیپو وقت
فنده دار نبوده
هیپو وقت قرار نیست
فنده دار باشه!

شاید
زخمی شده باشه؟
ضعیف باید طرد
بشه...

...ولی اینا
شرایط استثنایی
هست.

من شروع
به جمع کردن بقیه می‌کنم.
سعی می‌کنم باهاش مهاله کنم.
صبور باش، شاگرد
سابق من...

"...جنگ ما هنوز
تموم نشده!"

جای دیگر...

رررر... جلوتر
نرو... باید
استراحت کنم...

قصه داشتم
یه ارتش کامل از
آگمن بگیرم.*

تمام چیزی که دارم
برای نشون دادن
کارم یه دونه رباته...

* مینی سری آدم برها جلد
#-۴، دوباره-- مترجم.

من
قدرتمندترین
بودم توی هکس
گمشده...

...بعد با
سونیک و آگمن
جنگیدم...

...از یک شکست
تفویض آمیز بعد از دیگری
رنج بردم...

...فسته...
شکست فورده...
خیلی راحته... که
تسلیم بشم...



...نه.
هیچوقت.

شکست فقط
پایه و اساس
انتقام!



به اگ ننت و هل
شو. چی پی است
رو فعال کن.

اونی که نزدیکتر
هست رو پیدا کن:
رودکنار، منظره چشم انداز،
باغ میوه، شهر غروب،
یا دهکده زمستانی.



بقیه نباید از اون جاهایی که فرستاده
بودمشون دور شده باشن.*

من به تمام
قدرت شش مرگبار
نیاز دارم تا انتقامم
رو بگیرم.

* جلد #۲۵، دوباره--مترجم.

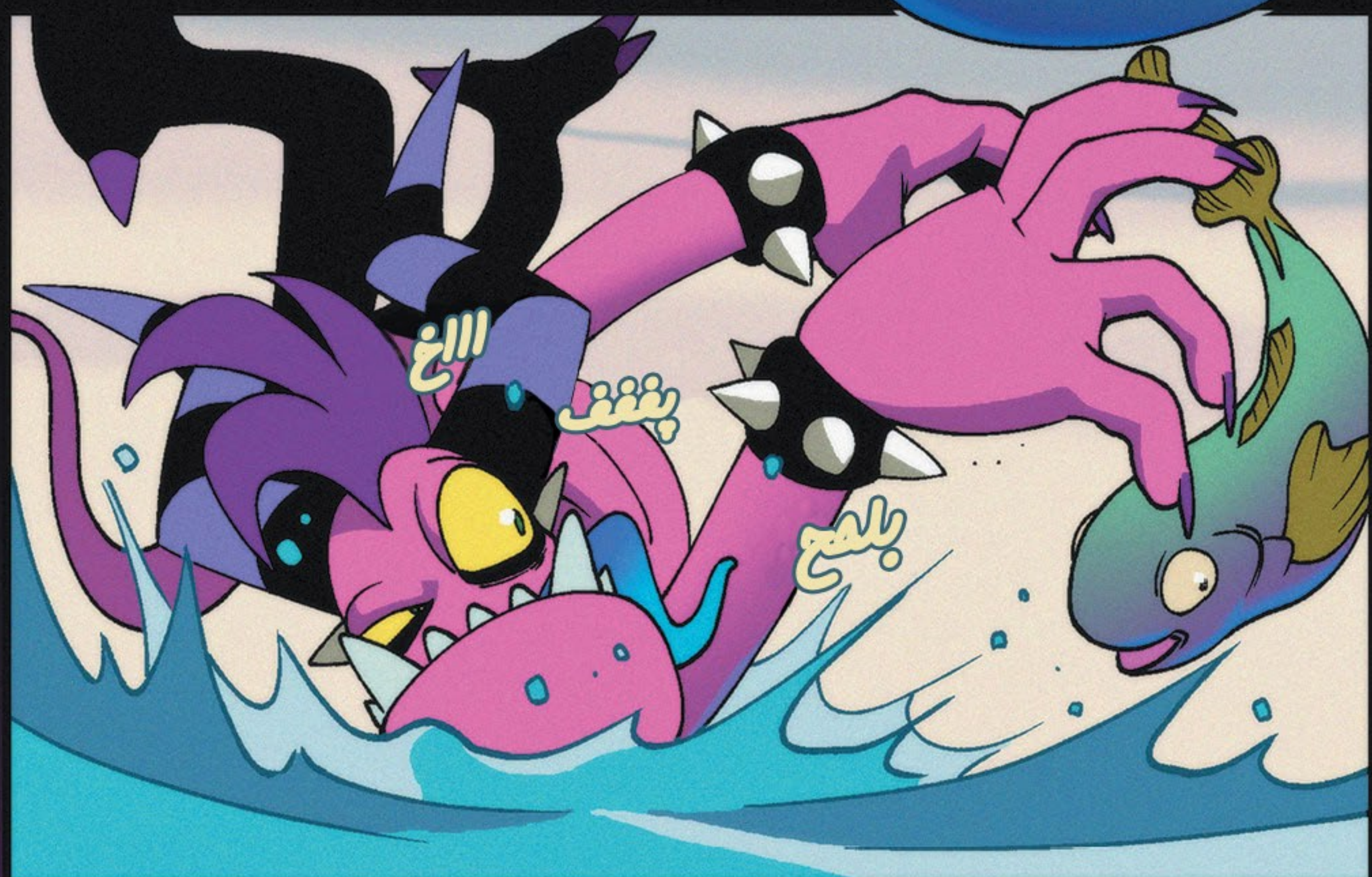


و بعد با
فاک یکسان می کنیم
همه چیز رو.



رودکنار.

پیا بینم...
پیا بینم...
پیا بینم...!





م-مردم به
حالت عادی برگشتن!
اونتا منو از پا در
آوردن و انداختن
منو بیرون.



تو زتی
هستی. تو از شش
مرگبار هستی. تو
جون به در نمی بری.
تو فتح می کنی.



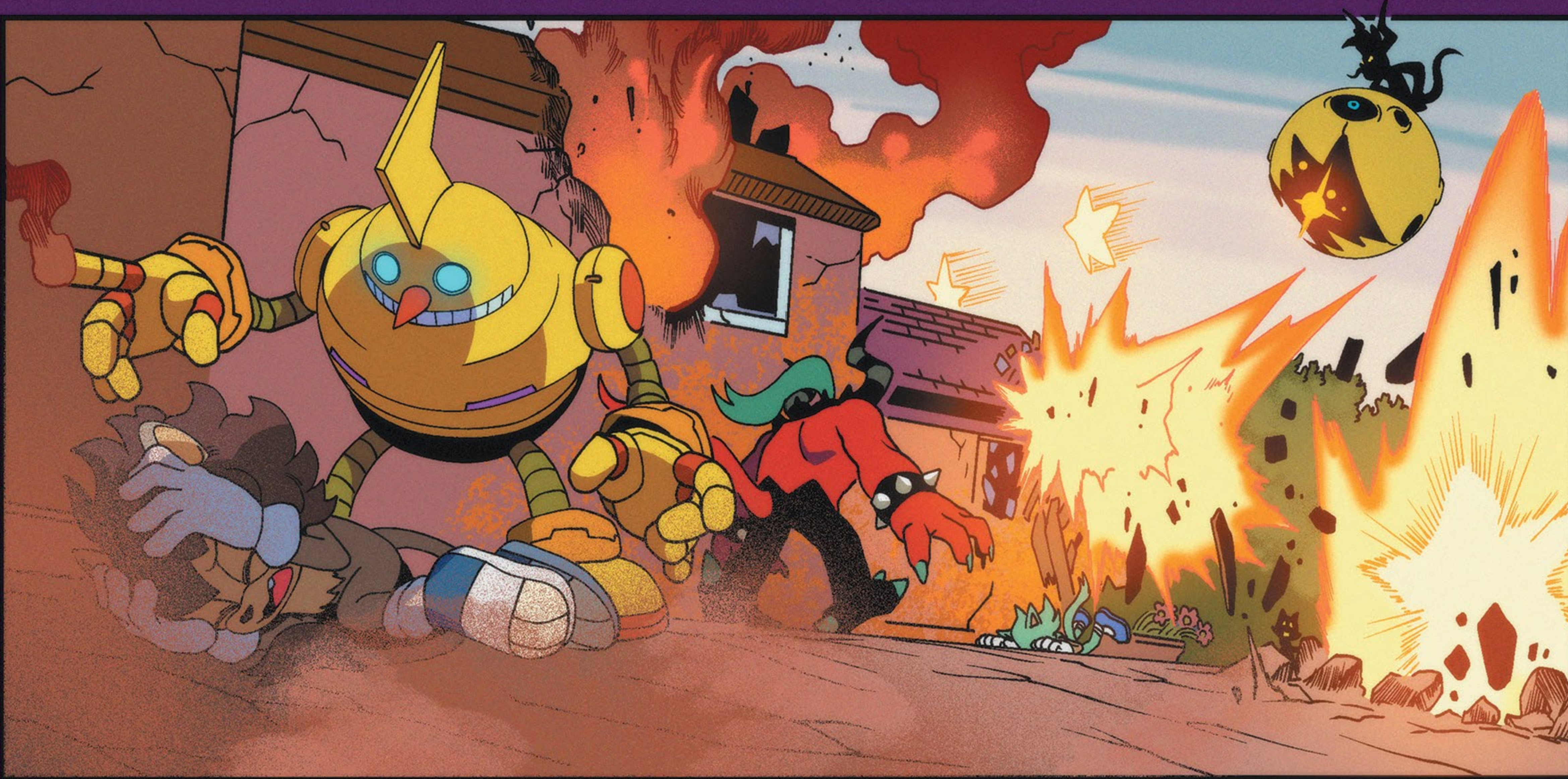
تو هنوز ماه مکانیکیت
رو داری؟

آره!
زیاد دور از
اینجا قایمیش
نگردم.

امضارش کن.



انتقام ما
از حالا شروع
میشه.



بعتر...



سفت پندشون، دکتر.
سریعتر فوب میشم با
باندرپیچی مناسب.

بر-بله، قربان.
بر-بعد اجازه هست به
همسایه هام بر-برسم؟



نه.



این شهر دست نفورده بود قبل اینکه شروع
کنیم. تو هیچ کاری نکردی با زامبات ها؟

”بازگردانی...“

معلومه که چیز میز جر دارم! ولی یه چیزی
به اسم ”بازگردانی“ ظاهر شد و همه چیز رو درست کرد. عوضیا.



بعتر.
منظره چشم انداز.



باورم همیشه
شهر اینقدر
فوب به نظر
می‌رسه!

همش به لطف
بازگردانی هست! انگار که وپروس
متال تا حالا به اینجا دست نزرده!

انصاف نیست! شما نمی‌تونید
چشن بگیرید و نزارید منم...
فب، چشن بگیرم!

قرارمون
رو می‌دونی.
مودب باش و ما
سر ساعت بهت
غذا میدیم.

یا بهتره
اینو برم به
یکی دیگه؟

فوب
میشم.

پسر
فوب.





وا-ها-ها!
پیشن تمومه،
پلمنتا!



و فکر کردم ز ز رو توی
وضع اسفناکی پیدا
کرده باشم...

من با
گرسنگی ضعیف
بودم! حالا من فقط سه
وعده در روز می خورم!
منو در بیار تا بتونم
همشون رو
بلنبونم!



تو زتی
هستی. تو از شش
مرگبار هستی. تو فوراک
پیره بندی شده قبول
نمی کنی.



تو
همه
رو می خوری.

روووو ععررررر





همگی به
پناهگاه‌های
تعیین شده!



GAK



تو. تو به این
"بازگردانی" خدمت
می‌کنی؟

گ-گروه امنیتی.
م-ما جلوی ب-بردنیک‌ها رو
از حمله کردن به کارهای
بازسازی می‌گیریم...

پس شما...
بازسازی می‌کنید؟
ممافظت می‌کنید؟ این راه و
رسم زتی نیست.
توضیح بده.



ب-بین جنگ و
طاعون، م-ما باید هوای
همدیگه رو می‌داشتیم.

م-ما پیشرفت
زیادی کردیم با کار
کردن باهمدیگه و...



شما تلاش
می‌کنید تا تمام کاری
که ممنوع‌ه‌ام کردن
رو ببران کنید.

شما فیلی فوب
با هم کار کردید. حالا
با هم عذاب بکشید!

بعدتر...

فیلی مس فوبی داره که دوباره پینز
میز داغون کنی! بیا این جنگل رو
تا ریشه بسوزونیم!

بعداً. ما فرسنگ‌ها داریم که بریم
قبل اینکه دسته با تمام قدرت باشه.

سنپیده، ولی نادرست.
سلام، زواک.

استار
زیگا

به خودم اجازه دارم که بقیه رو جمع
کنم تا شاید بتونیم هممون زودتر
گردد هم بیایم.

اقدامات
هوشمندانه‌ای بود، استار.
آفرین بر شما.

ما بار دیگه
شش مرکبار هستیم.
چه کاری می‌توای که
انجام بدیم؟

ما از همون راهی که شما
اومدید پیش میریم. ما شهرهایی که
فیلی احمقانه یا ما مقاومت کردن رو پیدا
می‌کنیم. و با خاک یکسانشون می‌کنیم.

...همین؟

اونو ولی
اولین کسانی هستن
که از انتقاممون رنج
می‌برن. هنوز فیلی
پینزا قراره در
ادامه‌اش باشه.



من فواستات رو درک می‌کنم، ولی این فیلی واضح‌ه. فکر کنم چیزی جز مصیبت از خودت به جا نداشتی.

فکر کنم فریادها شما رو به سمت ما کشوند.

و از این رو شروع به الگو سازی کردی.



ما از هکس گذشته دور هستیم، پس نمی‌تونیم برگردیم به فونه. ما در اراضی دشمنانمون هستیم، که تعدادشون زیاد و هماهنگ هستن.

براشون طولی نمی‌کشه که از اهداخمون پی بیرن و خودشون رو برای ما آماده کنن.



پس باهاشون در زمین نبرد رودررو میشیم! ما یا تارمارشون می‌کنیم یا در نبرد افتخارآمیز تلف میشیم!

مسلماً پایان قابل قبولی هست، ولی فیلی بیشتر از اینا می‌تونیم به دست بیاریم.



از ریشه‌هاش از هم بپره، و دنیا هیچ راهی نداره برای پیران کردن شرارتمون.

تو درباره بازگردانی شنیدی، بله؟ اونا امنیت، ثبات، و بدتر از همه، امید رو میارن.



بند
فردمندانه‌ای
بود، استاد.



ما به نزدیکترین
شهر حرکت می‌کنیم
همونطور که گفتیم.

با قدرت الگوی
عمله‌مون رو ایجاد
می‌کنیم با ویران کردن
تمام چیزایی که اونجا
ایستادگی می‌کنن.



هالا این
یه نقشه‌ست.

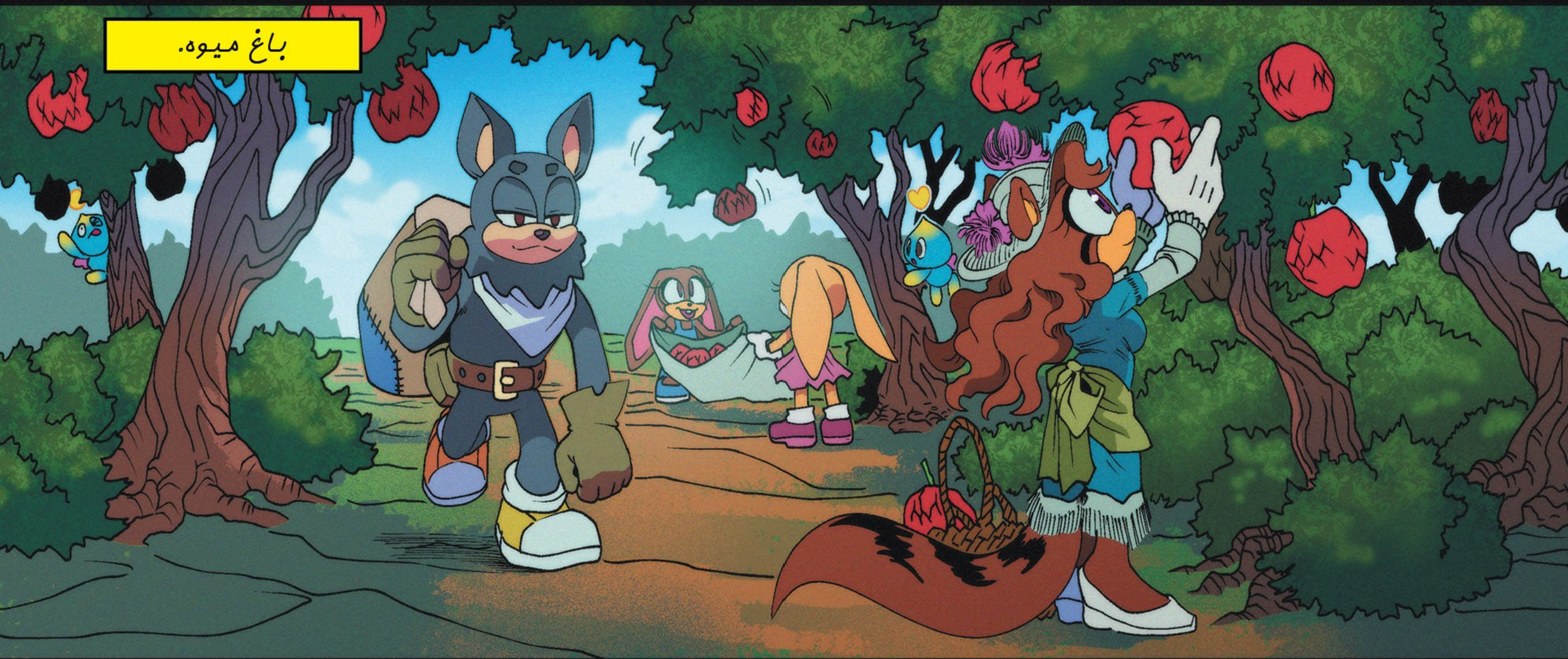
وقتی که
قهرمانان عمه می‌کنن
تا دوتا شهر دیگه رو نجات
بدن، ما در عوض از همون
راه میایم و به پایگاه بازگردانی
عمله می‌کنیم وقتی دفاع
-هاشون در ضعیف‌ترین
وضع هست.



**ششش
مرگبار**

به پیش.

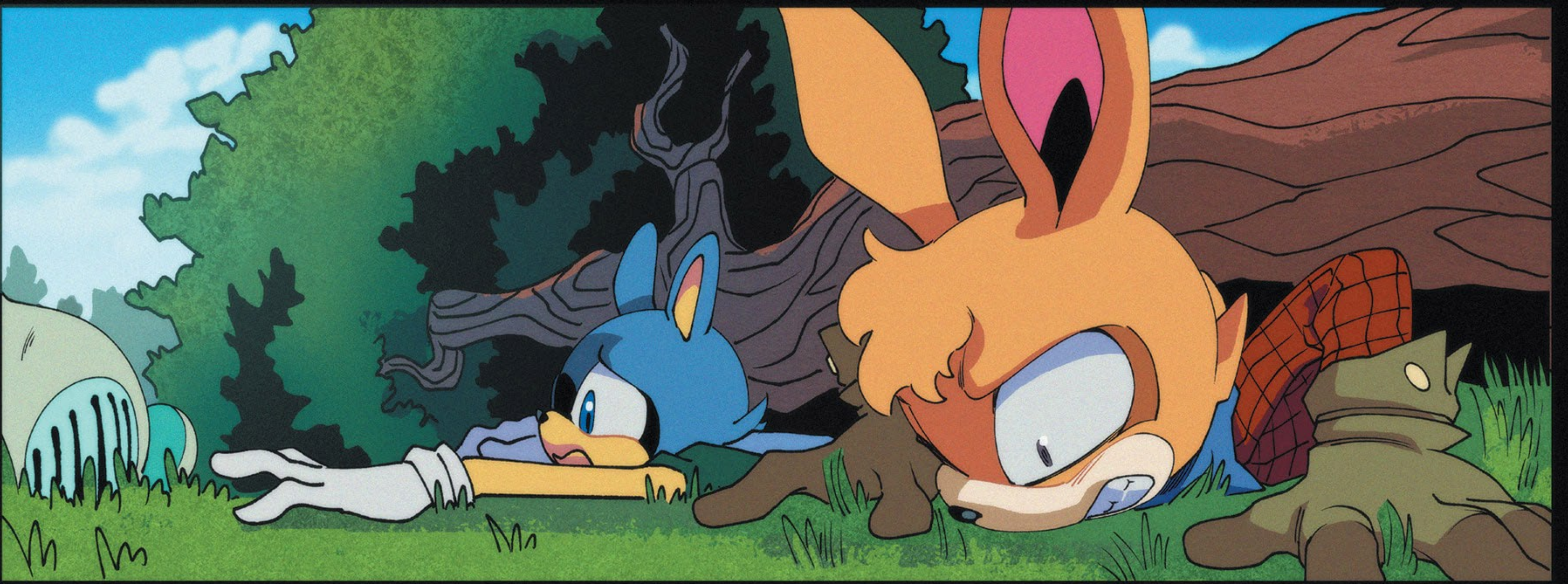
باغ میوه.



بازم از اون
چیذا هست؟!

اون
کو توله به
اندازه کافی
بد بود!





رقت انگیزه.
این شهر به آسونی از پا
در اومد. امیدوارم که بقیه
یلم مقاومت کنن.



من هواسش رو پرت می کنم.
تو باید بری به بقیه فبر
بدی.





بعتر.
مقر اصلی بازگردانی.

واوی-
واوی-
واوا

اینجا خیلی
باهالتر از پایگاه قدیمی
هست!



آره واقعا. کلی زحمت روش کشیده
شد بعد از اینکه ما تصادفی
قدیمی ه رو نابود کردیم.*

آره... ما شاید
بهتر باشه یه تفقیف بهشون
پیشنهاد بدیم با حساب اون...

* جلد ۲۲ -- مترجم.



سلام علیک! ما کیا تیکس
هستیم. چول برای ما
خبر ستاره.

اوه؟ اعلامتون
می کنم.

"اعلام می کنی" ...؟



فانم مدیر
چول! سازمان
کار آگاهی کیا تیکس
به دیدنتون اومدنر.
فانم!



ازت ممنونم
که خودتو سریع
رسوندی، وکتورا!

عه... باعث
افتخارمونه.



ما موجی از حملات شدید داشتیم
که به نظر نمی‌رسن مرتبط با
آگمن باشن.
بازمانده‌ها صحبت از
"هیولاهای شافدار" کردن.

شش
مرگبار.



قدر
سریع!



اینو ببین. من با زز تو
رودکنار چنگیدم.* تیلز و
ایمی با زوموم در منظره
پشم انداز چنگیدن،
وقتی سیلور و
ویسپر به حساب زر
رسیدن توی باغ میوه.

و می‌دونیم
زواک از زندان
ابدی فرار کرد.**

* جلد #۲۶-۲۸ -- مترجم.
** جلد #۱ -- مترجم.

بالاخره
فهمیدید که چه
اتفاقی داره
میفته؟



این یه پرونده
به آسونی آب خوردنه.
شش-۳ دنبال انتقامن،
و اونا بی‌دقتی کردن.
به آسونی
می‌تونیم به نتیجه برسیم
که بعد به کجا حمله
می‌کنن!



چه خبره،
تیلز؟

فبرای برد
شش مریکبار
در حال حرکتن!



انتظار نداشتم. من و اکمن قبلمتر داشتیم
در بارشون حرف می زدیم.

چی؟!!

بعداً بهت میگم.
هزییاتی داری؟



کیاتیکس اهداف اونا رو
معدود کردن به شهر غروب
و دهله زمستانی.

اونا دارن
میرن سراغ
مورد اولی.

می تونی خودتو
به دو می برسونی سریع؟



اوه،
فکر کنم بتونم
یه کاریش
کنم.

عالیه!
می تونم لم بردم و
ریلکس کنم با کلی وقت
برای استراحت کردن
قبل اینکه پند تا نغله
رو له کنم!



قسمت بعد:
مقر اصلی بازگردانی
تحت حمله!



طراحی آدام برایس توماس



طراحی ناتالی هینز



طراحی ناتالی فوردرین